

کلیسای عزیز:

دنیای ما بسیار پیچیده شده است. تغییرات سریعتر، سریعتر و سریعتر از آنچه فکرش را بکنید می آیند. دنیای زندگی و کار را وارونه کنید. آیا دوران مدرسه هنوز با یادگیری مطالب مشخص می شود، که برای دهه ها تقریباً بدون تغییر منتقل شده اند، مثلاً من قبلاً در طول آموزش حرفه ای خود شاهد پیشرفت های فنی بوده ام. در آن زمان، هنوز نداشتن کامپیوتر برای کاربران مشکل جدی نبود. چند سال بعد هیچ چیز بدون کامپیوتر کار نمی کرد. با سرعت سرسام آوری قابلیت ها و برنامه ها تغییر کردند. یا مثلاً تلفن نداشتیم. من فقط تلفن های سکه ای خیابانی را می شناختم که دیگر تقریباً وجود ندارد. دخترم به خودش فشار می آورد تا با شماره گیر چرخشی يك شماره بگیرد. چه کسی می توانست در آن زمان یک تلفن همراه یا حتی یک تلفن هوشمند را تصور کند؟ اینها تنها چند نمونه از میزان تغییرات همه چیز هستند که می توانست در چند دهه اخیر تغییر کنند. در این مرحله، تحولات به نظر می رسد که در چند سال اخیر به شکلی افراطی و ترسناک به یک دوراهی رسیده ایم. بیماری های همه گیر، جنگ و علاوه بر آن بحران زیست محیطی و آب و هوایی که توسط بشر ساخته شده است و آن گونه که جامعه ما خود را امروزه می بیند. عدم اطمینان در برابر واقعیت تهدید کننده قابل درک است اما آنچه مرا غمگین می کند مردم هستند. مردمی که در محیط اطراف من، واقعیتها را انکار می کنند و "واقعیت" خود را بر اساس اخبار جعلی ایجاد می کنند و دیگر برای بحث های منطقی در دسترس نیستند. مقصر؟ چه کسی مقصر بحران آب و هوا، تخریب محیط زیست است، جنگ ها، همچنین همه گیرها؟ همه ما حتی من را هم شامل می شود. ارتباطات بسیار پیچیده شده است اما به بیان ساده: رفاهی که من از آن لذت می برم فقط ممکن است به دلیل استثمار بی رحمانه زمین توسط مردم در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه باشد.

مسیحیان چگونه می توانند با این همه مشکلات برخورد کنند؟ کجا می توانم راهی برای رهایی از ناامنی که من را فلج می کند پیدا کنم؟ چگونه می توانم متفاوت زندگی کنم، جدید و تازه شوم، وقتی که در محدودیت های اجباری، گناه و اشتباهات قبلی که زندگی ام را تعیین می کند گرفتار می شوم؟ در خواندن کلام امروز ما پایان داستان یوسف را شنیدیم. در واقع روشن است که برادران یوسف برنامه ریزی شیطانی کرده بودند. اما یوسف متوجه می شود که خدا آن را خوب کرده است. به ویژه در سختی های زندگی، یوسف بر خدا توکل کرد و خوبی های او را تجربه کرد. و به عظمت خداوند اعتراف می کند: نترس! "من خدای تو هستم"

آمین که همه ما او را تنها به عنوان قانونگذار و قاضی بشناسیم - این می تواند راهی برای یک زندگی آزاد و بی باک باشد. در هر صورت، این دیدگاه مشکلات و زمان ها را تغییر می دهد. هنگامی که یهودیان پایان داستان یوسف را به عنوان بخشی از بخش هفتگی می خوانند، سپس موارد زیر را به عنوان بخش نبوتی از اول پادشاهان می شنیدند که داوود اندکی قبل از مرگش به پسرش سلیمان خبر داد که: مهمترین چیزها در زندگی: «...خداوند را عبادت کنید... تا در راههای او گام بردارید و فریاض و احکام و فرامین او را نگاه دارید. همانطور که در شریعت موسی نوشته شده است...»

البته دستورات خداوند گاهی حتی قابل بحث است.
مثلاً در قانون اساسی یا منشور سازمان ملل یا حقوق بشر آنطور که هست نیست و باید بارها و بارها نظر داده شود.

مسیحیان می توانند از یهودیان بیاموزند که چگونه تورات، قانون، زندگی را شکل می دهد و جهت گیری را فراهم می کند.

در جریان های مختلف یهودیت معاصر به گونه ای متفاوت تاکید شده است و بارها و بارها بحث برای تفسیر تورات وجود دارد، که مطابق با روز باشد .

بارها و بارها با نزدیک شدن به متون کتاب مقدس در آنجا تابلوهای راهنمایی برای زندگی را خوانندگان می توانند تجربه کنند که کتاب مقدس، و احکام آن ، درخت زندگی است برای کسانی که به آن چنگ می زنند.
همانطور که درخت چیزی است زنده، رشد می کند، میوه می دهد همانطور اعمال ما می تواند شاهدی زنده برای کلام خدا باشد که بسیار متفاوت از دیگر انسان ها هست.

موعظه :

به نظر می رسد قسمتی از انجیل یوحنا که امروز با آن سروکار داریم بسیار دیر نوشته شده است - احتمالاً در قرن پنجم میلادی.

انجیل یوحنا، فصل ۸: ۱۱-۳

اکنون در ترجمه کتاب مقدس اصلی می خوانم:

«در این هنگام، علمای دین و فریسیان، زنی را که در حین زنا گرفتار شده بود آوردند، و او را در میان مردم به پا داشته، به عیسی گفتند: «استاد، این زن در حین زنا گرفتار شده است. موسی در شریعت به ما حکم کرده که اینگونه زنان سنگسار شوند. حال، تو چه می گویی؟» این را گفتند تا او را بیازمایند و موردی برای متهم کردن او بیابند. اما عیسی سر به زیر افکنده، با انگشت خود بر زمین می نوشت. ولی چون آنها همچنان از او سؤال می کردند، عیسی سر بلند کرد و بدیشان گفت: «از میان شما، هر آن کس که بی گناه است، نخستین سنگ را به او بزند.» و باز سر به زیر افکنده، بر زمین می نوشت. با شنیدن این سخن، آنها یکایک، از بزرگترین شروع کرده، آنجا را ترک گفتند و عیسی تنها به جا ماند، با آن زن که در میان ایستاده بود. آنگاه سر بلند کرد و به او گفت: «ای زن، ایشان کجایند؟ هیچ کس تو را محکوم نکرد؟» پاسخ داد: «هیچ کس، ای سرورم.» عیسی به او گفت: «من هم تو را محکوم نمی کنم. برو و دیگر گناه مکن.»

یوحنا 8:3-11

تو اینجا در میان ما هستی.

قلب ما را بگشا و به گرفتار و شنیدنمان برکت بده. آمین

یک داستان پیچیده

فریسیان و کاتبان می خواهند عیسی را مورد آزمایش قرار دهند.

مگه خودش نگفته که قانون اجرا میشه؟

و هیچ کس مجاز نیست چیزی از آن را کم کند !

اما در اینجا چیزهای بیشتری در خطر است -

این داستان در مورد مجازات اعدام است.

دوستان و شاگردان او نیز کنجکاو هستند که ببینند عیسی چه واکنشی نشان خواهد داد.

چه اتفاقی ممکن است در آن زن بیفتد

چه کسی گرفتار خواهد شد

مردی که با او زنا کرد کجاست؟ طبق شریعت موسی هر دو محکوم خواهند شد.

زن با سر خمیده وسط مردان ایستاده است.

او خودش را وارد چه داستانی می کرد؟

اصلاً چطور به اینجا رسید؟

او به یاد نمی آورد. اون دیگه هیچی نمیدونه

او دوست دارد فرار کند، پنهان شود و از نظر همگان محو بشه .

آن معلم یعنی عیسی، درباره این زن شنید.

این همان کسی است که از جلیل می آید.

که همه می گویند خیلی مهربان و رحمدل است
دوست دارد به عیسی نگاه کند اما از خجالت نمی تواند و جرات ندارد چشمان خود را به بالا نگاه دارد .

چرا عیسی چیزی نمی گوید؟

زن می ترسد، بسیار می ترسد.

مرگ با سنگسار این جدی است

او هرگز نشنیده است که کسی سنگسار شود.

عیسی در آنجا چه می کند؟

از گوشه چشم دستش را روی زمین می بیند.

بروی خاک زمین چه می نویسد یا چه می کشد؟

مردان بارها و بارها از عیسی درباره قضاوت او می پرسند.

در آنجا، سرانجام عیسی پاسخ می دهد.

او می شنود که می گوید: «هر که از شما گناهی نکرده باشد اولین سنگ را به او بزنند»

آیا سنگ ها در آسمان به سوی زن پرواز می کنند؟

اما هیچ اتفاقی نمی افتد.

همه چیز آرام می ماند.

اما عیسی به آنها نگفت که خودش تنها بی گناه است.

در واقع او حکم وحشتناک را می توانست تایید کند.

دست عیسی بر زمین بازگشته و می نویسد.

زنا نکن .

دستوراتی که موسی در کوه سینا از خداوند دریافت کرد.

این واضح است. که نباید احکام منسوخ شوند .

مردانی که او را به اینجا کشانده اند درست می گویند.

مردها، کاتبان، فریسیان افرادی که مطیع احکام خدا هستند و عمیقاً به حفظ اخلاق، قانون و نظم اهمیت می دهند.

بالاخره آنها احکام خوب خدا هستند.

و باید این حکم اجرا شود .

مخصوصاً این شخص که عیسی است که

از جلیل بیرون آمده و معروف هست که مردم را فریب میدهد حالا او شرمنده است.

با خجالت روی زمین می نویسد یا نقاشی می کند.

که چه با نهایت حکمت خود به این مردان بگوید .

و سپس - این پاسخ: " هر کس از شما بی گناه باشد

باید اولین سنگ را به او پرتاب کرد! »

... چه کسی از شما بی گناه است ...

این پاسخ مناسب است. این مردان محترم ضربه خورده اند.

سپس سنگی که از قبل بلند کرده بودند از دستشان می افتد.

بدون گناه تمامی قانون خدا ؛

راستش - چه کسی می تواند؟

... چه کسی از شما بی گناه است ...

منظورم هم همینها!

آیا گاهی اوقات سنگ در دستم نیست،

که با آن یک هم نوع را هدف قرار دهم؟

اگر به درستی از عقیده خود دفاع کنم چه؟

و خیلی بدتر اگر در گفتگو در مورد عزیزانم تحقیرآمیز و منفی صحبت کنم چه ؟

فقط این جمله: «تقصیر خودش است!» شخص را محکوم می کند.

در نزاع ها، در خشم سنگ ها پرواز می کنند - آنچه من آنجا می گویم، واقعاً درد داره

دلسوز یا غیر دلسوز؟

تصمیم در عرض چند ثانیه گرفته می شود.

قضاوت اخلاقی نیز بسیار سریع است.

من معمولاً به خوبی "می دانم" چه چیزی آزار دهنده است و تحقیر خود را با صدای بلند یا زیرکانه ابراز می کنم.

مراقب این گونه قضاوت ها باشید!

کسانی که در جعبه های شیشه ای می نشینند نباید سنگ پرتاب کنند!
این ضرب المثل قدیمی آن را خلاصه می کند.
من بهتر از حریفم نیستم.
زیرا هیچ کس بی عیب و نقص نیست، که نیست
و همیشه به بخشش و بردباری نیاز دارد.
فریسیان و کاتبان، مردان شریف طبقه بالای اورشلیم، بی سر و صدا اطراف عیسی را ترک می کنند. آنها واقعاً فقط می
خواستند عیسی را در حال زیر سوال بردن قوانین تورات دستگیر کنند.
تا بتواند او را به جرم «خلاف قوانین» متهم کند.
... چه کسی از شما بی گناه است ...
عیسی گناه را بی اهمیت نمی داند. قانون اعمال می شود.
برای عیسی معنا و تمرکز عشق است.
عشق به خدا و عشق به هموعان.
زن همچنان در مقابل عیسی ایستاده و سرش را خم کرده است.
"خانم کجایی؟ کسی تو را قضاوت نکرد؟"
فقط الان جرات می کند.
با تردید سرش را بالا می گیرد و به عیسی نگاه می کند.
یک زندگی جدید می تواند برای زن آغاز شود!
عیسی زن را قضاوت نمی کند با وجودی که می توانست اما نکرد چون تنها بی گناه اون مردان عیسی بود.
شاید زن برای اولین بار در زندگی خود نیکی و رحمت را تجربه کرد.
زندگی با بخشش قلب را برای باهم و یک شدن باز می کند.
با هم بودن که به خدا اجازه می دهد در قلب ما خدایی کند.
با هم بودن که در آن می توانم به خودم و بقیه "اجازه بدهم"
من می توانم به خودم اجازه بدهم همانگونه که هستم باشم، با تمام ضعف ها، اشتباهات و گناهانم.
و همین امر در مورد هموعان من نیز صدق می کند.
خداوند ما را همانگونه که هستیم، ضعیف و ناقص می پذیرد و می بخشد.
چون او ما را دوست دارد، ما را قضاوت نمی کند و هر روز از نو شروع می شود و اجازه جبران داریم.
همانطور که عیسی در انجیل لوقا (لوقا 6:23) از ما درخواست می کند:
همانطور که پدر شما در آسمان مهربان و بخشنده است مهربان و بخشنده باشید.
آمین